



جزوه شماره ۳

حکومت دینی یا دین حکومتی

سخنران: سید محمد باقر رکنی

چهارشنبه ۷ مرداد ۱۳۹۴

بحثی که ان شا الله در خدمتتان هستیم تحت عنوان "حکومت دینی یا دین حکومتی" به عنوان یک سوال مطرح می شود. البته بحث میتواند تحت عناوین دیگری، مثلا حکومت اسلامی یا اسلام حکومتی، انقلاب اسلامی یا اسلام انقلابی، جمهوری اسلامی و اسلام جمهور یا اسلام جمهوری هم مطرح شود، در مجموع به لحاظ موضوعی خیلی فرقی ندارند.

در «حکومت دینی یا دین حکومتی» منظور دین اسلام است. به عنوان آخرین و جامع ترین دینی که از طرف خداوند توسط پیامبر معصومش به بشر ابلاغ شده. خود به خود احتمالا ویژگی و تعاریف اولیه را که مطرح کنیم خدمت دوستان، یک نوع آسیب شناسی از حکومت دینی و دین حکومتی هم خواهد شد. به عبارتی یک نوع آسیب شناسی از انقلاب اسلامی یا جمهوری اسلامی هم در این بحثمان مستتر است. استنادات من هم از نهج البلاغه و غررالحکم بوده یعنی از فرمایشات حضرت علی (ع) و یکی دوتا از احادیث و آیات دیگر می باشد.

مخاطب ما شما عزیزانی هستیم که دغدغه انقلاب دارید، درد انقلاب دارید، علاقه مند به انقلاب هستید بنابراین اساسا بحث ما از لحاظ چهارچوب نظری یک همچین فضایی که عرض کردم ارائه خواهد شد. اول بیاییم یک تعریف مختصر از حکومت دینی و دین حکومتی داشته باشیم.

❖ تفاوت حکومت دینی و دین حکومتی

حکومت دینی به لحاظ واژگانی حکومتی است که باید دین را پیاده کند. یعنی در حکومت دینی غایت و فلسفه ی وجودی حکومت باید به دین منتهی بشود. به عبارت دیگر هدف اصلی و فلسفه اصلی حکومت دینی عملی کردن اصول و فروع دین در زندگی مردم است. به عبارتی پیاده کردن کامل دین و اصطلاحا دین کامل است. اگر دین به صورت کامل پیاده بشود این هدف نهایی و به قول غایت عالی و متعالی تشکیل حکومت است یعنی حکومت دینی باید به آنجا برسد. حالا یا در راه رسیدن هست یا رسیده یا نرسیده آن بحث دیگری است. و هدف دین حکومتی استفاده از دین جهت تحکیم قدرت است یعنی در حکومت دینی غایت دین است و در دین حکومتی غایت قدرت یا حکومت است. تفاسیر مختلفی هم طبیعتا شده و میشود که دین حکومتی ممکن است مبنایش مثلا ماکیاولیستی باشد که هر ابزاری را تجویز بکند و مجاز بداند. تفکر ماکیاولی هم همین را می گوید، رسیدن به هدف با هر وسیله ای یعنی رسیدن به هدف، وسیله را توجیح می کند، فرقی نمی کند مشروع باشد یا نامشروع حق باشد یا باطل. این تعریف خیلی ساده ای که برای شروع بحثمان لازم بود.

❖ ویژگی های حکومت دینی

اما ویژگی های حکومت دینی که بیشتر من از خطبه ی ۱۳۱ نهج البلاغه ترجمه ی مرحوم دشتی استفاده کردم. حضرت علی (ع) یک دعایی دارد که میگویند، خدایا جنگی که ما میخواهیم بکنیم، اگر اشتباه نکنم ظاهرا در اوایل جنگ صفین باشد، امام علی مناجاتی دارد خیلی مختصر و کوتاه که در خطبه ی ۱۳۱ آمده که خدایا این جنگ ما برای کسب قدرت نیست، گانَ مَنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ

دنیایی نیست، بلکه برای و لَكِنْ لِنَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ یعنی بازگشت به اسلام راستین می باشد. خودتان متوجه هستید که اسلام ۲۵ سال منحرف شد. و حضرت علی خار در چشمم واستخوان در گلو تحمل کردند. حالا بحثش مفصل است. لِنَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ بازگشت به اسلام راستین است نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ و اینکه اصلاح و آبادانی در شهرها ایجاد بکنیم رفاه نسبی برقرار بکنیم. رفاه اجتماع، این بعد کاملا دنیوی و اخروی تشکیل حکومت هاست. مردم در چهارچوب حکومت دینی باید حداقل های رفاه اجتماعی را داشته باشند قِيَامَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تَقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ یک پناهگاه و منزل و ماوایی باشد برای محرومان تو، مخصوصا بندگان محروم و مظلوم آنهايي که مورد ستم واقع شدند. باید این حکومت پناهگاه باشد نه اینکه حکومت بر کرده ی مردم بالخاص مستضعفین سوار بشود.

نکته آخری که امام در خطبه اشاره می فرماید. اقامه و برپا داشتن حدود و ثغور دین که فراموش شده میباشد... دینی که مهجور شده ما می خواهیم حدودش را مشخص کنیم .

شما اهل دعایید اهل نیایش هستید اهل مناجات هستید. در دعای ندبه یک جور راز و نیاز و حرف زدن با امام زمان هست وقتی که مطالعه می فرمایید ۳۸ مورد آین به کار رفته . **أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ؟ أَيْنَ الطَّالِبِ يَدَمُ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ؟** شروع میشود تا **أَيْنَ الْمُدَّخِرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَايِضِ وَالسُّنَنِ؟** کجاست آن که می آید و سنت و سیره پیامبر و واجبات را احیا میکند **أَيْنَ مَحْيَى مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلَهُ؟** کجاست آنکه می آید نشانه های دین را زنده میکند. کجاست آن کسی که می آید کتاب و سنت را احیا میکند ۳۸ بار در دعای ندبه میگوید کجاست آنکه می آید؟ این خودش یک پیام هست یعنی شرایط در زمان ظهور و مقدمات ظهور طوری هست که اسلام از وضعیت اولیه خودش منحرف شده . کجاست آنکه می آید کجی ها و راستی ها را اصلاح میکند. راست میکند **أَيْنَ الْمُنتَظِرِ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَالْعُوجِ؟** کجی ها را راست میکند . کجاست آنکه راست کننده کجی ها. **عَيْنِ مَعَزِ الْأَوْلِيَاءِ كِجَاسْتِ؟** آنکه عزت می دهد به بندگان مومن **أَيْنَ مُعَزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُدِّ الْأَعْدَاءِ؟**

اینها را ما در دعای ندبه که تاکیداتی دارد میبینیم که دقیقا همین فرمایشات حضرت علی(ع) است که اینجا عرض کردم. ویژگی دیگر حکومت دینی، مایه ی عزت اسلام و مسلمان است. در دعای افتتاح خواندیم **اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ** خدایا آن دولت کریمه ات را به ما عطا کن ما منتظر آن دولت کریمه ات هستیم . که چه ویژگی دارد؟ **تُعَزِّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ** در این دولت اسلام و مسلمان ها عزت پیدا میکنند عزیز می شوند و این معنای حکومت دینی، حکومت مطلوب می باشد. **وَتُدَلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ** منافق و نفاق دروغ ریا و تظاهر و منافقین طرد ، بی ارزش و بی مقدار می شود.

بنابراین اگر در حکومتی به ویژه ریا ، تظاهر و دروغ مرتب تکرار شود و قبح دروغ ریخته باشد، رجال مملکتی مسئولین ارشد مملکتی مثل آب خوردن به خلق الله دروغ بگویند این حکومت مشکل دارد. این حکومت، حکومت دینی نیست . حکومت دینی فراموش نکنیم که در عمل کف جامعه خودش را نشان میدهد یعنی این نیست که ما فقط خیال بکنیم آرم الله بیاید وسط پرچم به جای شیر و خورشید مسئله حل میشود . اگر رعایت نکنیم مسئله بدتر میشود چرا ؟ چون آن قبلی ها مدعی نبودند ، مدعی این دیدگاه و اسلام نبودند تخلفی هم میکردند میگفتند ما همینی که هستیم و سیستمی که جایگزین شده فقط الله را نمی تواند بیاورد روی پرچم، الله را باید ساری و جاری بکنند در رفتار تک تک مردم از بالا تا پایین فرقی هم نمیکند.

ویژگی دیگری که ادامه ی همین دعا هست در دعای افتتاح، اینکه خدایا کمکمان کن ما مردم را به طاعت و هدایت الهی دعوت بکنیم و به دعوت رسولان تو لبیک میگوییم . دینی که دنیا و آخرت ما را آباد میکند . یعنی حکومتی که بر مبنای دین باشد باید دنیا را آباد کند نیازهای مردمانش را تامین بکند . **اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ** : **تُعَزِّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ ، وَتُدَلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ** و ما را جز کسانی قرار بده که به سوی خدا دعوت میکنی **وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ ، وَالْقَادَةَ إِلَى سَبِيلِكَ ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ!** و راه پیامبران را نشان میدهی و دعوت میکنی به واسطه ی حکومت روزی ما را بده. بزرگ منشی و کرامت دنیا و آخرت روزی ما بکن.

❖ حکومت دینی با حکومت دینداران فرق میکند

اگر حکومتی این علائم و نشانه ها را که گفتیم نداشت حکومت دینی نیست. نکته ای را هم احتمالا دوستان میدانند. حکومت دینی با حکومت دینداران فرق میکند حالا آنهایی که سنشان بیشتر هست میدانند زمان پیش از انقلاب گروههای سیاسی بودند مثل نهضت آزادی مثل جبهه ملی ، مرحوم بازرگان ... اینها مثلا معتقد بودند که حکومت دینداران تشکیل بشود ولی حکومت دینی نداشته باشیم . یعنی چی؟ یعنی یک حکومتی تشکیل بشود ، دینداران نماز و روزه شان را به جا بیاورند، بی دین ها هم کار خودشان را انجام بدهند کسی کاری به کار کسی نداشته باشد.

این طبق نظر اعضا نهضت آزادی و جبهه ملی و... بود. که بعدها به لیبرال ها معروف شدند. یادم می آید اوایل انقلاب این بحث ها مطرح بود و در روزنامه ها و محافل سیاسی بحث می شد، میگفتند این کاباره ها را نبندید سخت نگیرید کاباره ها باز

باشد مساجد وحسینیه هم باز باشد حالا هرکس علاقه دارد برود کاباره و هر کس هم علاقه ندارد برود مسجد دعای کمیل بخواند. سخت نگیرید، یک اسلام لیبرالیستی. عملا هم میگفتند وتلاش هم میکردند که این میشود در خوشبینانه ترین حالتش حکومت دینداران میشود نه حکومت دینی.

آنی که حضرت امام قیام کرد دقیقا حکومت دینی بود نه حکومت دینداران. حکومت دینداران که حال حاضر خیلی از کشورها ی دیگر هستند شاید به لحاظ شکل ظاهری هم حکومت دینداران قوی تر از دینداران خود ما باشد.

❖ ویژگی دین حکومتی

خب من فقط خواستم تفاوتش را خدمت شما عرض کرده باشم. ویژگی های دین حکومتی را هم خدمتتان بگویم، طبیعتا از باب «تُعرف الأشياء بأضدادها» میشود از ضد یک چیزی دقیقا به معرفت یک موضوعی پی برد. ویژگی های مخالف و متضاد حکومت دینی در دین حکومتی هست.

این هم از فرمایشات حضرت علی (ع) هست، ویژگی های دین حکومتی؛ ظلم وستم و تضييع حقوق می باشد. امام علی فرمایشی دارند که در غرر الحکم هست «العدل نظام الامر» عدل اسکلت یا به قول برخی، روح حکومت اسلامی است. چهار چوب و ساختار حکومت قوام و نظام حکومت، عدل است. البته خود حضرت در جاهای مختلف نهج البلاغه و فرمایشات دیگرشان، عدل را گفتند و تعریف کردند که باید چه باشد و چه هست چه نیست.

«ان افضل قره عين الولاه، استقامه العدل في البلاد» عدل باید نور چشم سران، امرا، والیان، مسئولان حکومتداران و حاکمان باشد. در کلمات قصار حضرت علی (ع) فکر میکنم هست که ایمان ۴ پایه دارد، عدل، صبر، جهاد و یقین. وبعد تعریف میکنند و می گویند که عدل نیز خودش ۴ پایه دارد. از ایشان سوال کردند عدل افضل تر هست یا سخاوت؟ فرمود عدل. عدل همه چیز را سر جای خودش قرار می دهد و سخاوت آن را از سر جای خودش خارج میکند. عدل به بقا و قوام یک حکومت کمک میکند نه سخاوت که حالا بحث های مفصل تری دارد

دومین ویژگی دین حکومتی پرداختن به فرعیات به جای اصول است. ما اصل را رها و به ظواهر می چسبیم. عمق را رها میکنیم به پوسته می چسبیم. یعنی دین کلیشه ای دین ظاهری، دین ظاهری آمیخته به ریاست، آمیخته به دروغ است. ظاهرمان هم خیلی ترو تمیز ریش ها آنکادر شده، کت و شلوارها یقه ها آخوندی مرتب، انگشتر عقیق احتمالا فیروزه هم کنارش گذاشتیم تا مستحبات تکمیل بشود! . حاضر هستیم در گرمای ۵۰ درجه کت و شلوار بپوشیم، شخصیتمان خیلی محکم بشود ولی اینها پوسته است و ظاهر سازی.

یک اصل کلی هست که اساسا هر پدیده سیاسی اجتماعی و فرهنگی در دوران زندگی بشری بر روی کره زمین رخ داده هر جا که بوده کاری به دین اسلام و اینها ندارد چه غرب شرق، قدیم جدید هر پدیده سیاسی اجتماعی و فرهنگی که رخ میدهد به محض ظهور و بروزش یک جریان موازی کنارش به عنوان رقیب، رشد میکند. ما این را در فلسفه تربیتی داریم که تئورسین های فلاسفه غرب یک تئوری که ارائه میدهند، جریانات رقیب خود به خود رشد میکنند. در دوران مدرن و پست مدرن هم داریم. مثلا مکتب فرانکفورت و چه عرض کنم از این ایسم های پست مدرنی هم کنارش می آید. که حالا یا از عرصه کنار زده می شود و یا خودش را مطرح کند. در بحث حرکت انبیای عظام الهی هم از اول تا الان همین مدل هست، یعنی از ویژگی های ذاتی حکومت ها و حرکت ها و جنبش ها و برنامه های کلان فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بوده است.

بینید زمان حضرت موسی خیلی راحت سامری تولید میشود. ۳۰ روز جناب موسی (ع) به کوه طور میرود، سی روز میشود چهل روز. در این فاصله ۱۰ روزه سامری تولید میشود. حالا سامری، نماد بت پرستی و شیطان و شرک برای کسانی ایجاد شده که تمام معجزات حضرت موسی را با چشم دیده بودند.

دیده بودند که فرعون می خواست اینها را بکشد اما با کمک و نفس پاک حضرت موسی از نیل گذشتند. اینها را از نزدیک دیده بودند و میدانستند که موسی انسان خداپرست و صالح و ساملی هست. اینها را میدانستند و دیده بودند ولی خیلی راحت سامری

توانست ایجاد یک جریان موازی بکند برای خودش، دکان باز کرد مشتری هم جذب کرد. که بعد در تاریخ می گویند آغاز بت پرستی همین سامری است که زمان حضرت موسی می باشد.

موازی سازی که عرض کردم خدمتتان، تحریف ظاهری و باطنی هست که توسط خواص شروع میشود. در هر مکتب و حکومتی آغاز تحریف و انحراف از خواص و رهبران و توزیع کنندگان ایدئولوژی است. تاریخ را بررسی بفرمایید حالا من می خواهم خیلی به تاریخ غیر اسلام رجوع کنیم، خود تاریخ اسلام و صدر اسلام را مطالعه بفرمایید. آغاز انحراف اصلی از زمان خود رسول اکرم (ص) شروع شد. یعنی از زمان خود پیامبر یک عده آمدند پیامبر جعلی شدند، "مسيلمه" کذاب یکی از آنها بود. ما حدود ۸-۷ نفر داریم که از زمان حضرت رسول و بعد از رحلت ایشان ادعای نبوت کردند، گفتند: خب، محمد برای خودش یار جمع کرد ما هم برای خودمان یار جمع کنیم. جمع هم کردند، یعنی اینطور نبود که پاسخی بهشان ندهند، مردم هم سراغشان رفتند.

بزرگترین تحریف تاریخی کلامی فقهی در اسلام، فتنه و کودتای سقیفه بود. خیلی راحت از جهل عوام استفاده شد و این فتنه ها و تحریف ها توسط خواص اتفاق افتاد. هیچ کدامش را عوام ابداع نکردند، عوام پیرو بودند. خواص یا توزیع کنندگان ایدئولوژی یا رهبران، این کارها را کردند. خود این پرداختن به فرعیات عرض کردم که تظاهر و ریا را در جامعه زیاد میکند. تا چندسال پیش بود الان هم نمی دانم هست یا نه. می خواهم عرض کنم دایره استخدامی سیستم جمهوری اسلامی این بود که مثلا از شما سوال کنم کفن مرد چند تیکه هست و کفن زن چند تیکه و به قول نماز جمعه میری یا نه؟ آن بنده خداهم ترسیده بود و گفته بود که به خدا من هر روز میرم نماز جمعه (خنده حصار) گفتن خب پیر شده فقط جمعه ها نماز جمعه هست، گفت اشتباه کردم ولی جمعه ها همش میریم! نکته جالبش اینجاست که از کفن زن می پرسند که چند تیکه هست یا کفن مرد را می پرسند اما دیگر کاری ندارند در آن اداره یا نهاد منتسب به حکومت اسلامی چه فتنه و فساد هست. به آن فسادکار ندارد فقط کار به ظاهر دارند.

دین حکومتی این می شود. دین حکومتی دقیقا تیشه به ریشه ی دین میزند. یعنی نه دین را می خواهد داشته باشد نه حکومت دینی، فقط کسب قدرت! ویژگی دیگر دین حکومتی در کلام امیر المومنین، طرد صالحان و استفاده از فاسد است. خیلی قشنگ جابه جا می شوند، آدم های کوچک کارهای بزرگ میگیرند و آدمهای بزرگ کارهای کوچک. هردو آفت است. نباید کار کوچک را به آدم بزرگ سپرد، آدم بزرگ تلف می شود از آن طرف هم نباید کار بزرگ را به آدم کوچک داد، کار بزرگ تلف میشود و دقیقا مصداق همان بی عدالتی که عرض کردم. طرد صالحان و استفاده از فاسدان که مصداق دقیق بی عدالتی هست میشود. آغاز انحصار یعنی انحصار طلبی، که خود آغاز ایجاد باندهای مخوف مافیایی می باشد. مافیای یعنی یک لایه های زخمی که شما نمی دانی من چه کار میکنم. منم و دوستانم و هم حزبی هایم. حکومت پدر خوانده ای به وجود می آید، حکومت فامیلی، حکومت قبیله ای ایجاد می شود.

■ پرسش و پاسخ

سوال: حکومت جمهوری اسلامی ایران جز کدام یک از اینهاست؟ گاهی گمان میشود در بعضی جاها رهبری هم به نوعی همراهی می کنند، در واقع همان مصالحه.

پاسخ استاد: ویژگی هایی را که گفتم، ببینید کدام ویژگی ها به وضعیت الان ما تطبیق بیشتری دارد. دوستان طبق این ویژگی هایی که عرض شد خودتان به عنوان یک شهروند جمهوری اسلامی چه فکر میکنید؟ همین فرمایش حضرت امیر که اینجاست راهبردی و کلیدی هست که "در اجرای حکم مداهنه و مصالحه نداشته باشید" الان ما مصالحه داریم، آیا حکم خدا دقیقا اجرا می شود؟ خیر.

البته ما توقع نداریم الان هم دقیقاً اینطور بشود، چون اینها مقدمه‌ی رسیدن به آن مدینه فاضله‌ی که منتظرش هستیم، می‌باشد. آنجا کامل خواهد شد. اما در حال حاضر به نظر بنده خیلی فاصله داریم با حکومت دینی. حالا من منظورم به اشخاص یا فرد خاصی نیست ما خیلی فاصله داریم با اصولی که در یک حکومت دینی باید ارائه بشود. این فاصله را باید کم کنیم که مقدمه باشه برای ظهور منجی عالم بشریت ان شا الله.

شهید مطهری در کتاب بررسی نهضت‌های صد ساله‌ی اخیر این را می‌گوید. اصلاً شهید مطهری یک جمله‌ی دارد، بگذارید از قول ایشان بگویم، در کتابی که عرض کردم صفحه ۸۷ انتشارت صدرا سال ۸۲. ایشان می‌فرماید که نهضت‌ها مانند همه‌ی پدیده‌های دیگر ممکن است دچار آفت زدگی شود، وظیفه‌ی رهبری است که پیشگیری کند و اگر احیاناً آفت نفوذ کرد با وسایلی که در اختیار دارد باید آفت زدای بکند. اگر رهبری یک ملت به آفت‌ها توجه نداشته باشد یا در آفت زدایی سهل‌انگاری نماید قطعاً آن نهضت عقیم یا تبدیل به ضد خود خواهد شد. واثر معکوس خواهد داشت. البته یک نکته، فرمایش شهید مطهری مال سال ۵۶ هست. یعنی هنوز انقلاب نشده ما مباحث سیاسی، تاریخی و فرهنگی را باید در شرایط زمانی و مکانی خودش تحلیل بکنیم یعنی نیایم الان زرنگی بکنیم و این را چماق کنیم و سر کسی بکوبیم. اما فرمایش درستی هست البته اینجا طبق این صحبت، من صحبت شهید مطهری را دارم عرض میکنم. رهبری یک جامعه مخصوصاً جامعه‌ی دینی اولویت آفت زدایی به عهده‌ی ایشان است. حالا ممکنه سلیقه‌ها و روش و منش‌های این آفت زدایی متفاوت باشد. مثلاً حضرت علی (ع) یک طوری اقدام کرد رسول اکرم (ص)، امام حسن (ع) یک جور و امام حسین یک جور دیگر. بالاخره نایبانشان، ولیان فقیه، امام خمینی یک جور و مقام‌های ولایت یک جور این یک بحث دیگری است.

اما بخش عمده‌ی این مسئله به رهبری بر میگردد. رهبری جامعه، الناس علی دین ملوکهم. حضرت علی می‌فرماید از بزرگترین حقوق الهی حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است. دوتایشان باید لازم و ملزوم هم‌دیگر باشند. رهبران زاده و درست نمی‌شوند تا رعیت درست بشود. رعیت درست نمی‌شود تا رهبران درست بشوند. اگر فقط بنشینیم درست روی دست بگذاریم که فقط رهبر یک کاری بکند اشتباه است، درست نیست. و برعکسش، یعنی نباید همه چیز را بندازید به دوش رهبر و خودتان را خلع سلاح کنید. این ارتباط را شاید شما درست اشاره کرده باشید یک خورده مخدوش است، الان در جامعه فعلی ما مطابق با نهج البلاغه نیست.

سوال: برای برپایی و ماندگاری یک حکومت دینی چه کسانی و چه جریانی نقش اصلی دارند؟

پاسخ استاد: مهمترین وظیفه به عهده رهبری جامعه و توزیع کنندگان مکتب و مرام رهبری (خواص) است. پس از آن تک تک افراد در حد خود وظیفه دارند تلاش کنند. «ان تقوموا لله مثنی و فرادی..» سوره سبا. حرف خدا را برپا دارید (برای خدا) دوتا دوتا و تک تک. ضمناً قرار نیست تک تک افراد شق القمر کنند. بلکه در حد توان خود «لایکلف الله نفساً الا وسعها» آیات آخر سوره بقره

سوال: چه اتفاقی می‌افتد که خواص دچار انحراف می‌شوند؟ مخصوصاً خواصی که خود انقلابی بودند و رنج‌ها کشیدند.

پاسخ استاد: ۱- برخی خواص از ابتدا اعتقادات بنیادین و محکمی نداشته‌اند و ممکن است به دلایل مصلحت‌اندیشانه مجبور بودند خود را معتقد نشان دهند.

۲- برخی خواص تا جایی با اسلام و دین همراهی می‌کنند که منافعشان تامین شود و همین که منفعتی نمی‌بینند مسیر خود را عوض می‌کنند. امام حسین (ع) می‌فرماید: «الناس عبید الدنیا و الدین لعق علی السنتهم یحوظونه مادرت معایشهم فاذا مَحْصُوا بالبلاء قَلَّ الدیانون» «مردم بنده دنیایند و دین بر زبانشان می‌چرخد و تا وقتی زندگی‌هاشان بر محور دین بگردد، در پی‌آند، اما وقتی به وسیله «بلا» آزموده شوند، دینداران اندک می‌شوند»

۳- برخی خواص ممکن است از سختیها، استقامت و مبارزات خسته شوند و اصطلاحاً پُرند

۴- برخی خواص دچار تجدید نظر می شوند و ممکن است از دیدگاه های خود برگردند.

۵- برخی ممکن است ببینند به تدریج که از عمر انقلاب می گذرد و واقعیات با آرمانها و ایده آلهای تطابقی ندارد و آنها نیز کم کم از نظرشان عدول کنند

سوال: برخی هنگام مخالفت با مذاکرات و.. می گویند جلوتر از رهبری حرکت نکنید، به نظر شما چگونه باید موضع گیری کرد؟ درسخرانی های اخیر، رهبری از دانشجویان مطالعه آثار برخی افراد را خواستند (گفتند علاوه بر آثار شهید مطهری) لطفاً منابعی جهت مطالعه معرفی فرمایید.

پاسخ استاد: ۱- می بایست بر اساس شناخت کافی از شرایط و آگاهی موضع گیری کرد. ممکن است برخی اوقات اصطلاحاً جلوتر از رهبری باشد. خود رهبری تأکید داشته اند که بقیه نیاز نیست که الزاماً نظراتشان مانند ایشان باشد. اساساً اینکه حتماً باید منتظر ماند تا رهبری موضوعی را مطرح کنند و بقیه ادامه دهند، تفکر درستی نیست. رهبری وظایفی دارند، بقیه هم وظایفی. هرکس باید بصیرت کافی داشته باشد که در چه شرایطی است و چه وظایفی به عهده دارد. اینکه «جلوتر از رهبری حرکت نکنید» برخی اوقات بهانه ایست که نگذارند دغدغه های رهبری منتشر شود. در تاریخ اتفاق افتاده است که برخی اوقات رهبران پشت سر مردم بوده اند.

۲- در حوزه تاریخ معاصر: دکتر موسی نجفی، دکتر حقانی روشنفکری جهاندار امیری. در علوم سیاسی و علوم اجتماعی حتماً نیاز به چند فرهنگ و لغتنامه مرتبط هست. اکثر آثار حسن رحیم پور ازغدی. نهج البلاغه که جامع السعادت دنیا و آخرت است. برخی آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه (به مدیریت حجت الاسلام رشاد) پرسش و پاسخهای دانشجویی (چندین جلد) نهاد رهبری در دانشگاهها (سایت پرسمان)

حسینیه انقلاب اسلامی
۱۳۹۴



کلبه. بلوانصر. روبروی جهانگردی. حسینیه انقلاب اسلامی. مسجد حضرت ابوالفضل «ع»